

دکتر حسین سهرابور

---



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



آزادی فردی

و حدود آن در حکومت اسلامی



پښتو، شپږمه ځل، ۱۳۹۰ ل.  
پرتال جامع علوم انساني  
په مطالعات فرهنگي

## اشاره -

از روز سه‌شنبه ۳۱ شهریورماه تا پنجشنبه دوم مهرماه سال جاری سمیناری در رابطه با مسائل و موضوعات مربوط به حقوق بشر در انستیتوی شرق شناسی وابسته به وزارت امور خارجه آلمان در هامبورگ برگزار شد.

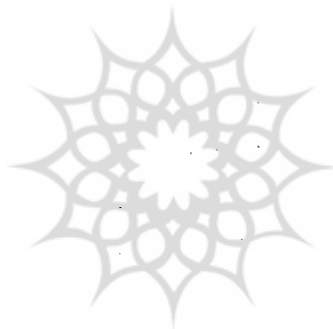
در این سمینار، عده‌ای از اساتید و صاحب‌نظران ایرانی و آلمانی شرکت داشتند و دیدگاه‌های خود را در زمینه‌های مختلف مرتبط به موضوع بحث از نقطه‌نظر اسلام و غرب بیان نمودند از هر دو طرف مقالاتی به جلسه سمینار، ارائه و قرائت میشد و سپس پیرامون آن بحث و گفتگو صورت میگرفت، سخنرانی و گفتگوها یکی از سه‌زبان فارسی، آلمانی و انگلیسی انجام میگرفت که بوسیله مترجم، هم‌زمان با ایراد سخنرانی از زبانی به‌زبانی دیگر ترجمه میشد.

عناوین کلی بحث عبارت بودند از: ۱- استقلال، آزادی و خود مختاری انسان، ۲- دموکراسی، سکولاریسم و مذهب، ۳- آزادی فردی و مرزهای آن، ۴- اقلیت‌ها و حفظ حقوق آنها، ۵- حقوق بشر و دموکراسی (دعوی جهان شمول بودن حقوق بشر) سخنرانان و شرکت‌کنندگان موضوعات بالا را از دیدگاه اسلام و جهان غرب مورد بحث و بررسی قرار دادند.

از سوی اساتید ایرانی ۸ مقاله به‌سمینار ارائه و قرائت شد، مقالات و سخنرانی منسجم آلمانیها کمتر بود ولی در همه مسائل و موضوعات در بحث

شرکت نموده و نظرات خود را ابراز میداشتند. صرف نظر از برخی مسائل و حوادث نامطلوب حاشیهای سمینار، در مجموع، محفل گفتگوی علمی مفید و پرباری بود، دیدگاههای مختلف به خوبی مورد نقد و بررسی قرار گرفت، نقطه نظرهای اسلام و دیدگاههای دولت اسلامی نیز تشریح و برخی از ابهامات ضمن سؤال و جوابهای صریحی که بعمل آمد روشن شد. تا حدودی نقطه های مشترك و متفاوت دیدگاهها در زمینه حقوق بشر تبیین شد که البته این مقال در مقام گزارش دستاوردهای سمینار نیست.

بهرحال، اینجانب نیز در رابطه با موضوع آزادی فردی و مرزهای آن، مقاله حاضر را که آزادی فردی و مرزهای آن را در یک دولت اسلامی بررسی میکند تهیه و فشرده آن را در جلسه سمینار قرائت کردم و اینکه اصل آن از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

تاریخ بشریت آکنده از مبارزات و درگیریها و تصادمات گروههای مختلف انسانی است. انسان بحکم داشتن طبع اجتماعی، از همان روزهای نخستین خلقت، زندگی فردی را رها کرده و زیستن با دیگر همنوعان را پیشه خویش ساخته است. در این زندگی که خودبخود براساس نیاز متقابل و تعاون با یکدیگر پدید آمده است همواره برخوردها و همکاریها وجود داشته است.

انسان، به زودی، احساس و امکان سلطه خود را بر موجودات طبیعت و حیوانات دریافت و در مقام دستیابی بر آنها و بهره‌گیری از آنها برآمد، در راه تثبیت سلطه خود و استعمار آنها با مقاومت آگاهانه‌ای برخورد نکرد بلکه میبایست رموز و فنون نفوذ و سلطه را با بکار انداختن استعداد خود و آگاهی یافتن از قوانین طبیعت و قوای غریزی نهفته در حیوانات که هر دو ثابت و تقریباً لایتغیر هستند کشف کند. قرآن کریم در آیات زیادی بر این حالت تفوق انسان و بودن همه موجودات طبیعت در استخدام او تصریح میکند، مخصوصاً در این زمینه آیات ۵ تا ۱۶ سوره نحل بخوبی گویای این مطلب است.

در همین راستا، و براساس همین خلق و خوی بهره‌گیری از دیگران، آدمی سعی کرده است همنوعان خود را نیز به استخدام خویش درآورد و با تحمیل روش خود بر دیگران آنان را برای اهداف خویش به خدمت بگیرد، ولی در این راه بلحاظ

اینکه نوع انسان از یک گوهر و در طبیعت انسانی همه از یک پدیده هستند، طبعاً با مقاومت روبرو شده و درگیریها و برخوردها و جنگها از همین جا نشأت گرفته است، صلاح اندیشیها و راهنماییها و دعوتهای مردان الهی و مصلحین اجتماعی نیز تا حدود زیادی برای جلوگیری از طغیان این خاصیت انسانی و تعدیل آن و توجه دادن او به حفظ حرمت ذاتی فرد فرد انسان است.

قطع نظر از بحثهای پیچیده فلسفی که در مورد اصل آزادی و اختیار انسان وجود دارد و مباحثات فراوانی که بین طرفداران جبر و تفویض و نیز مادیون معتقد به جبر و دترمینیسم (Determinism) مطرح است، اجمالاً میتوان گفت انسان احساس میکند در وجودش دارای قدرت گزینش است و در مورد اعمال و رفتار و کردار و گفتار میتواند انتخاب کند و اختیار انجام یا عدم انجام کاری را دارد. و حتی بر گزینش کاری که انجام داده و رویه‌ای را که پیش گرفته است مورد مدح یا ذم قرار میگیرد.

صرف نظر از عوامل مختلفی که ممکن است در گزینش انسان دخالت داشته باشند، بطور ساده، انسان، این احساس را دارد که میخواهد در مورد عقاید و اعمال و رفتار و گفتارش، خود تصمیم بگیرد و عمل کند و منجور باطاعت از دیگری نباشد. نفس داشتن این احساس واصل وجود چنین زمینه‌ای در انسان، ارزش دارد و اقلای یکی از وجوه تمایز انسان از موجودات دیگر میباشد.

موضوع قابل توجه، این است که انسان تا چه حد میتواند از این آزادی یعنی از این حق انتخاب و گزینشی که دارد برخوردار گردد و در چه حدی استفاده از آن بفع اوست و محدوده این برخورداری از آزادی در رابطه با دیگران و در مقام تعارض با آنها چیست؟ و دیدگاه اسلام و برخورد حکومت اسلامی با این قضیه چگونه میباشد؟

در این نوشته فشرده سعی بر این است که نظری اجمالی بر دیدگاه اسلامی و نوع برخورد حکومت اسلامی با آزادی فردی داشته باشیم.

### مفهوم آزادی فردی

همانگونه که در مقدمه یادآور شدیم، در مفهوم حقوقی و سیاسی، آزادی فردی یعنی داشتن حق و اختیار و مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار

خود میباشد آزادی سیاسی در این معنی بطور ساده عبارت است از قلمروئی که در داخل آن، شخص میتواند کاری را که میخواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند (۱). و محدوده اعمال این حق نیز تا جایی است که به آزادی دیگران صدمه نزند.

در قدیم ترین اعلامیه منسجم حقوق بشر یعنی اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه آمده است که: «آزادی، عبارت از قدرت انجام هرگونه عملی است که به دیگری صدمه نزند، لذا محدوده اعمال حقوق طبیعی هر انسان فقط تا آنجاست که استفاده از همین حقوق طبیعی را برای سایر اعضای جامعه تضمین کند این محدودیت ها فقط بوسیله قانون معین میشوند» (۲).

آزادی های فردی عمدتاً شامل حق زندگی، آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن، مصونیت خانه و مسکن، مصونیت و یا امنیت شخصی، مصونیت مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و اسرار شخصی، آزادی در زندگی داخلی و خصوصی و آزادی فکر، عقیده، مذهب و بیان میباشد (۳).

لزوم حفظ و رعایت این آزادیها در مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. میثاقهای بین المللی از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز دولتهای عضو را به اجرای آنها متعهد نموده است.

### آزادی انسان از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، تمام انسانها از نقطه نظر ذات انسانی برابرند و همه از شرافت و کرامت انسانی برخوردارند انسان موجودی است شریف و برتر از سایر موجودات و در اصل این کرامت و فضیلت همه یکسانند، بنابراین هیچ کس ذاتاً برده دنیا نمیآید، قرآن با لحنی عام و یکنواخت در مورد نوع بشر میفرماید: ولقد کرمنا بنی

۱- آیزایا برلین به چهار مقاله درباره آزادی ص ۲۳۷.

۲- ماده ۴ اعلامیه به نقل از کتاب حقوق اساسی نهادهای سیاسی، دکتر ابوالفضل قاضی

ص ۶۴۰

۳- آزادیهای عمومی و حقوق بشر، دکتر طباطبائی مؤمنی ص ۱۵، مبادی نظام الحکم

فی الاسلام، دکتر عبدالحمید ستولی، ص ۲۷۷ چاپ چهارم ۱۹۷۸ اسکندریه مصر.

آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (اسراء آیه ۷۰).

بنی آدم را کرامت دادیم و آنها را بر خشکی و دریا مسلط نمودیم و از چیزهای پاکیزه روزی آنها دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود آنها را برتری دادیم. صرف ویژگی اختیار و داشتن حق گزینش را، قرآن برای انسان برسمیت می‌شناسد و همین را البته دلیل مسئول بودن او میداند. وقتی میگوید: ما راه را به انسان نمایانندیم یا سپاسگزار است و رهنمون میشود و یا ناسپاس است و به بیراهه میرود (انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً) (سوره انسان آیه ۳) معنایش این است که در وجود انسان این آزادی یعنی حق گزینش وجود دارد و میتواند بین دو چیز یکی را انتخاب کند.

محدوده آزادی فردی از دید اسلام، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه، مصلحت و سلامت و رستگاری خود شخص نیز هست. اسلام یک سلسله مفاهیم روشن و مشخص را برای سعادت افراد و جامعه بشری ترسیم نموده و مردم را به پذیرش و عمل کردن به آنها دعوت کرده است: توحید و یکتاپرستی، عدالت، احسان، راستگویی، پاکدامنی، خودداری از شرک و ظلم، نیرنگ و تجاوز به مال و جان مردم از جمله مفاهیم روشنی هستند که اسلام آنها را تبلیغ نموده و مردم را به پذیرش و عمل به آنها دعوت مینماید و تخلف از آنها را مورد تقبیح قرار میدهد. انسان در ذات خود آزاد است یعنی نسبت به موجودات دیگر این امتیاز را دارد که میتواند بین خوبیها و بدیها یکی را انتخاب نماید ولی همواره این آزادی به سوی انتخاب خوبیها هدایت میشود و انسان مسئول است که از بدیها دوری جوید و به خوبیها روی آورد، حتی اگر ترك این خوبی و یا ارتکاب آن بدی، به کسی لطمه ای وارد نسازد و مخل آزادی دیگری نباشد.

اسلام، آزادی انسان را تنها محدود به عدم دخالت دیگران در کار او و گزینش او نمیداند بلکه آزادی از اوهام و خرافات و هواهای نفسانی و عادات و رسوم غلط را نیز شرط استقرار آزادی میداند. از آنها بعنوان قید و بند هائی یاد میکند که آزادی را از انسان سلب میکنند و بشر باید در گسستن آنها و آزاد کردن خود بکوشد. قرآن کریم در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص) و فراخواندن او مردم را به توحید و ایمان بخدا و متصف شدن بصفات نیک و دوری جستن از شرک و صفات رذیله و



ستهای غلط، بعنوان کسی که میخواهد بار سنگین را از دوش انسان بردارد و بندهای گران را از دست و پایی او بگسلد و او را آزاد کند، نام میبرد: «... پیامبری که مردم را به نیکی دعوت میکند و از زشتی نهی میکند، چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال و پلیدیها را بر آنها حرام میکند، بارگران را از دوش آنها بزمین مینهد و بندها را از آنها میگسلد، پس آنان که به او ایمان آوردند و او را بزرگ داشتند و یاریش کردند و چراغ هدایت او را فراراه خود داشتند رستگارند.» (... یا مرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر و یعمل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم فالذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون - سوره اعراف آیه ۱۵۷).

در منطق اسلام، انسان آزاده آن است که از بردگی انسانهای دیگر رها و از بندگی خواستها و امیال حیوانی خویش نیز آزاد باشد، آنکه نمیتواند بر امیال و هواهای نفسانی خویش غالب آید، او نیز آزاد نیست بلکه بنده و برده‌ای است که با پیروی از هوای نفس به گمراهی و هلاکت کشیده میشود: «افرایت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلاتن کرون - سوره جاثیه آیه ۲۳».

اسلام، بندگی خدا را برای انسان موجب کمال او میداند و در واقع آزادی و آزادی او را از قید بندگی دیگران مرهون بندگی خداوند میداند، به تعبیر دیگر می‌توان گفت از نظر اسلام، انسان آزاد نیست که خود را از قید بندگی خدا رها سازد، بلکه هدف از خلقت انسان را عبودیت خداوند بشمارد (وما خلقت الجن و الانس الا لیبعدون - سوره الذاریات آیه ۵۶).

ماده ۱۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) مقرر میدارد: «... انسان آزاده متولد میشود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای متعال...» قرآن کریم با شیوه‌های گوناگون پند و اندرز و ترغیب و تشویق به تفکر و تدبر و رجوع به فطرت و تهدید به انواع عذابهای اخروی و احیاناً فرجام بد در زندگی دنیوی، انسانها را به بندگی خدا و دوری جستن از شرک و بدیها دعوت میکند و در واقع از انسان آزاد مختار میخواهد که در گزینش خویش مسئولانه برخورد کند و عقیده صحیح، رفتار صحیح و گفتار صحیح را برگزیند پس انسان، آزاد است ولی اعمال این

آزادی علاوه بر اینکه نباید با آزادی دیگران و مصالح آنها مغایرت داشته باشد با خط روشنی که خداوند برای خود فرد نیز ترسیم کرده و آنهم چیزی جز سعادت و کمال او نیست نباید مغایر باشد، پس انسان در انتخاب شرك و بت پرستی، دروغ گوئی، شرب خمر، خودکشی و امثال این اعمال و صفات رذیله آزاد نیست هرچند مخل حقوق دیگران و نظم جامعه نباشد.

### آزادی فردی در حکومت اسلامی

حکومت اسلامی یعنی ترتیب اداره و تدبیر جامعه بر مبنای اصول و بینشهای دین اسلام نیز طبعاً همین مفاهیمی را که در بینش اسلامی در مورد آزادی انسان وجود دارد مبنای کار خود قرار میدهد و بر این روال سعی میکند آزادی انتخاب فرد را به راه صحیح هدایت نماید. ولی از بعد اعمال حکومت، باید توجه داشت که آزادی فردی در یک حکومت اسلامی بطور چشمگیری رعایت میشود و جز در مواردی که اعمال آزادی به آزادی دیگران یا مصالح و نظم جامعه خلل وارد نماید، حکومت، حق مداخله در امور افراد و محدود کردن آزادی آنها ندارد. در این زمینه میتوان آزادیهای فردی و محدود آن را در ارتباط با حکومت اسلامی بدسه دسته تقسیم کرد:

- ۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد
- ۲- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان
- ۳- آزادی عقیده و مذهب- که هرچند میتواند داخل در یکی از دو شق اول باشد ولی بلحاظ اهمیتی که دارد آن را جداگانه ذکر کردیم.

#### ۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد:

در مورد شق یک علی الاصول حکومت اسلامی دخالتی ندارد و شخص در اعمال اراده خود کاملاً آزاد و مستقل است هرچند عملی را که انجام میدهد قبیح و ناپسند باشد و اسلام بعنوان دین آن را تقبیح نموده و برای مرتکب آن وعده عذاب و کیفر اخروی داده است ولی اسلام بعنوان حکومت، کاری به او ندارد. در مورد اینگونه اعمال و رفتار، اسلام اجازه تفتیش و بازرسی و پیگیری را نمیدهد. انسان در داخل خانه خود و در اعمال شخصی خویش آزاد است امنیت دارد و مصون از بازرسی و تفتیش و تعقیب است.

قرآن کریم در سوره نور صریحاً از ورود در خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه منع میکند ( یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلّموا علی اهلها ذالکم خیر لکم لعلکم تذكرون، فان لم تجدوا فیها احدافلاتدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو از کی لکم و الله بما تعلمون علیم آیات ۲۸ و ۲۹) و در سوره حجرات از گمان بد بردن و تجسس و عیب جوئی دیگران نهی میکند:

( یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یا کل لحم اخیه میتا فکرمه تموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم- آیه ۱۳).

ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مقرر میدارد: «...ب- هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود. ج- مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیرمشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود».

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که دین اسلام و مقررات آن را بعنوان زیربنای اصول خود اعلام کرده است در اصل ۲۲<sup>(۱)</sup> به مصون بودن جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض تصریح و در اصل ۲۳<sup>(۲)</sup> صریحاً تفتیش عقاید را ممنوع و در اصل ۲۵<sup>(۳)</sup> بازرسی نامه ها و ضبط و فاش کردن مکالمات

۱- اصل ۲۲- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردیکه قانون تجویز کند.

۲- اصل ۲۳- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان بصرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

۳- اصل ۲۵- بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم سخا به و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر بحکم قانون.

تلفنی و افشای مخابرات تلگرافی و استراق سمع و هرگونه تجسس را غیر مجاز اعلام  
مینماید.

در زمینه اعمال شخصی و خصوصی افراد تا جائیکه مربوط به خود شخص میشود  
حتی اگر مرتکب عمل ممنوع و گناهی شود تا انعکاس اجتماعی پیدا نکرده و  
جامعه در معرض آسیب دیدن از آن قرار نگرفته است، حکومت وظیفه‌ای در افشاء  
و اثبات آن و مجازات عامل آن را ندارد، بلکه باید از تجسس و کشف موضوع  
خودداری کند، بنابراین اگر کسی در منزل خود اعمال شرک آمیز انجام داد و  
واجبات دینی را ترک کرد و مرتکب محرمات شد از دید حکومت اسلامی، نباید  
مورد تعقیبش قرار داد و در مقام تفتیش و جستجو برای اثبات آن برآمد (۱).

یعنی در اینجا اعمال مقررات کیفری دنیوی بر چنین شخصی مورد ندارد، البته  
ارشاد و موعظه و یادآوری ثواب و عقاب الهی جای خود دارد.

اسلام آن قدر برای حرمت اشخاص و عدم دخالت در اعمال خصوصی افراد  
اهمیت میدهد که حتی در صورت ظن و گمان و بروز برخی قرائن بر ارتکاب عمل

۱- داستان زیر که مربوط به صدر اسلام و دوران خلافت عمر خلیفه دوم است نشانگر  
برداشت مسلمانان و نفوذ این طرز تفکر اسلامی است که تجسس در امور داخلی مردم حتی از  
سوی رئیس حکومت ممنوع است و مردم باید از این حیث احساس امنیت کامل کنند.  
داستان از این قرار است: عمر شیبی را به گشت زنی در مدینه مشغول بود که در برابر  
خانه‌ای صدای زن و سردی را شنید و به شک افتاد، از دیوار خانه بالا رفت و وارد خانه شد  
زن و سردی را دید که در جلوی آنها ظرف شرابی قرار داشت، خطاب به آن مرد گفت: ای  
دشمن خدا آیا سپنداری خداوند کار تو را مخفی نگه میدارد در حالیکه به معصیت او  
مشغولی؟ آن مرد گفت ای امیرالمؤمنین: اگر من یک خطا مرتکب شدم تو مرتکب سه خطا  
شده‌ای، زیرا خداوند در قرآن فرموده است: تجسس نکنید (و لا تجسسوا: حجات آیه ۱۲) و  
تو به تجسس در کار ما پرداختی خداوند فرموده از در خانه وارد شوید: (و اتوا البيوت من  
ابوابها- بقره آیه ۱۸۹) و تو از دیوار وارد شدی، خداوند فرموده: تا از اهل خانه‌ای اذن  
نگرفتی وارد نشوید و وقتی وارد شدید سلام کنید (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر  
بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها سوره نور آیه ۲۷) و تویی اذن وارد شدی و  
سلام نکردی. سرانجام عمر آنها را رها کرد و رفت (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد  
اول ص ۱۸۲).

سنائی عفت، کسانی که نسبت انجام عمل خلافی را به کسی میدهند سخت مورد نکوهش قرار میدهد و خطاب به آنان میگوید شما این امر را آسان و سبک میشمرید در حالیکه در نزد خداوند مطلب بسیار بزرگ و مهم است: (اذتلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم مالیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عند الله عظیم ولولا اذ سمعتموه قلت مایکون لنا ان نتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم. سوره نور آیه ۱۶ و ۱۷).

سراسر آیات قرآن را که بررسی کنیم با همه وعده‌هایی که برای بدکاران به عذاب و نعمت الهی داده شده است، مجازات دنیوی که از سوی حکومت اسلامی باید اعمال شود برای گناهان شخصی پیش‌بینی نشده است.

#### ۲- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان-

در مورد اینگونه اعمال و رفتار، اسلام نیز در بعد اعمال حکومت تقریباً همانند آنچه در اعلامیه‌های حقوق بشر آمده است عمل میکند یعنی معتقد به آزادی انسان هست به او اختیار گزینش میدهد ولی این آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران، آزادی دیگران، نظم عمومی و مصالح جامعه لطمه وارد نسازد، بنابراین انسان آزادی شغل و کسب و کار، رفت و آمد، اقامت در محلی که میخواهد، آزادی قلم و بیان و تشکیل انجمن و اجتماعات را دارد ولی در اعمال این حقوق باید مراعات حقوق دیگران را بنماید و هر جا خواست تجاوز به حقوق دیگران بکند آزادی محدود میشود و برای تخلف از آن علاوه بر پیش‌بینی کیفر اخروی، مجازات و ضمانت اجرای دنیوی که حکومت مباشر اعمال آن است پیش‌بینی شده است.

چنانچه برای قتل نفس، سرقت و ایجاد رعب و هراس و فتنه و فساد در بین مردم که به محاربه<sup>(۱)</sup> با خدا و رسول تعبیر شده است مجازات تعیین شده، و در واقع حکومت اسلامی باید با اینگونه اعمال برخورد کند و جلو تجاوز به حقوق مردم و جامعه از سوی افراد را بگیرد.

در مورد آزادی بیان و اظهار نظر، اسلام، بطور معقول و منطقی، به آن احترام

۱- ملاحظه کنید آیات ۳۸ و ۴۳ سوره مائده و آیه ۳۶ سوره اسراء و آیات ۱۷۴ تا

۱۷۶ سوره بقره و آیه ۳ سوره نور.

میگذارد و آماده پذیرش و شنیدن اظهارنظر و هرگونه انتقاد هست و مخصوصاً یکی از صفات خوب بندگان خود را این میداند که حرف‌ها را می‌شنوند و بهترین آنها را انتخاب میکنند (فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه سوره زمر آیه ۲۰) لازمه این امر این است که در جامعه آزادی بیان وجود داشته باشد و مردم بتوانند حرف‌های گوناگون بزنند تا بتوان از میان آنها بهترین را انتخاب کرد. ولی وقتی این آزادی بیان به گونه‌ای روشن همراه با غرض و برای لطمه زدن به کیان جامعه اسلامی و ایجاد بیم و ترس در میان مردم باشد آزادی بیان محدود میشود و حکومت اسلامی با آن برخورد میکند، بدین ترتیب است که قرآن کریم در مورد منافقین شایعه‌ساز و دروغ‌گو آنها را به برخورد شدید حکومت تهدید میکند. آیات ۶۱ و ۶۲ سوره احزاب را در این خصوص بنگرید: «لئن لم نیئته المنافقون والذین فی قلوبهم مرض والمرجفون فی المدینه لئغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها الا قلیلاً ملعونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتیلاً».

براساس همین برداشت در مورد آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر میگوید:

«... هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد بگونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود...» و ماده ۱۴ میگوید: «انسان حق دارد، کسب مشروع بکند بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران.» و ماده ۲۲ مقرر میدارد: الف: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.»

ب- هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج- تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.»

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۴، ۲۷، ۲۸، و ۴۰ آزادی بیان و قلم و تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها و آزادی شغل را در جدی که منافی

حقوق جامعه و مبانی اسلام و مصلح آزادی و حقوق دیگران نباشد، مورد تأکید قرار داده است. (۱)

### ۳- آزادی عقیده و مذهب-

اسلام، مکتب آزادفکری و آزاداندیشی است آیات فراوانی از قرآن کریم، مردم را به تفکر و اندیشه و گزینش عقیده صحیح میخواند شاید، بیش از ۳۰ آیه در قرآن، مردم را به تفکر، تعقل و تذکر دعوت میکند و یا به پیامبر(ص) تلقین میکند که برای اثبات حق یا ابطال باطل حجت و دلیل بیاورد و یا شیوه انبیا را در احتجاج و استدلال نقل میکند و یا تعصب و تقلید کورکورانه و بی منطق بودن کفار را تقییح میکند و یا کسانی را که با تفکر و اندیشه و دلیل و برهان، حرف حق را پذیرفتند و ایمان آوردند میستاید (۲).

اسلام، عقیده صحیح را، دین توحید و اعتقاد به مبدء و معاد میداند و انسان را به گزینش این عقیده سوق میدهد و هدایت میکند و از لحاظ فردی هر شخص را

۱- اصل ۲۴- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مصلح به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون معین میکند.

اصل ۲۶- احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل ۲۷- تشکیل اجتماعات و راهپیمائیهها، بدون حمل سلاح، بشرط آنکه مصلح به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل ۲۸- هرکس حق دارد شغلی را که بدان سایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۴- هیچکس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۲- بنگرید آیات ۲۶ سوره حدید، ۵ سوره ابراهیم، ۲۷ سوره محمد(ص)، ۴۶ سوره نساء، ۱۶۹ سوره بقره، ۷۵ سوره طه و ۲۹ سوره روم.

نزد خداوند مسئول میدانند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح توحیدی تلاش کند و از شرك و کفر دوری جوید ولی در عین حال، اجبار و اکراه را در دین نفی میکند، تمام کوشش بر این است که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آن وقت او آزاد است که آن را انتخاب کند یا باز هم از پذیرش آن سر باز زند و در گمراهی بماند یعنی خویشتن را در مرحله پست فکری نگاه دارد و از فضیلت عبودیت حق محروم گرداند و مستوجب عذاب الهی گردد: «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سميع عليم - سوره بقره آیه ۲۰۶» (قد جائکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها وما انا علیکم بحفیظ - سوره انعام آیه ۱۰۰).

آنچه در مورد برخورد با کفار و مشرکین در قرآن کریم آمده است در رابطه با موضع گیری آنها و توطئه آنها علیه اسلام و مسلمین و خیانت و عهدشکنی آنان است.

اصولاً اگر سیری در آیات قرآنی بکنیم خواهیم دید هر جا مجازات و کیفر دنیوی پیش بینی شده که وسیله حکومت اسلامی باید اجرا گردد، صرفاً در برابر اعمال و رفتار و اقدامات مخالف نظام اسلامی یا گفتارها و فتنه انگیزیهایی که نظم جامعه را برهم میزند یا ارتکاب اعمالی که برای همه جرم و خلاف شناخته شده، میباشد. اعتقادات خلاف اسلام و شرك آمیز هر چند که بسیار مورد تقبیح قرار گرفته ولی درباره آنها مجازات قانونی که بوسیله دستگاه حاکم اعمال شود پیش بینی نشده (۱) اگرچه درباره کفار همواره از عذاب اخروی و عقوبت الهی و محروم ماندن از سعادت جاوید سخن رفته است.

در آیات ۹ و ۱۰ سوره ممتحنه خطاب به مسلمانها آمده است: «خداوند شما را از احسان و نیکی و اجرای قسط و عدالت نسبت به کفاری که با شما بر سر دینتان

۱- حتی در مورد ارتداد، در قرآن مجازات دنیوی پیش بینی نشده است، و این نمیتواند بدون حکمت باشد برای توضیح بیشتر ملاحظه کنید صفحات ۳۰۸ و ۳۰۹ کتاب مبادی نظام الحکم فی الاسلام.



نچنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون نکردند، نهی نمیکنند بلکه او مجریان قسط و عدل را دوست دارد. همانا خداوند شما را از برقراری دوستی و رابطه مودت با کفاری که با شما بر سر دین پیکار کردند و شما را از سرزمین خودتان بیرون راندند و یا بر اخراج شما کمکی کردند، نهی میکند.

اینکه برخی از مفسرین گفته‌اند این آیه منصرف و به کفار معاهد و اهل ذمه است (۱) و همه مشرکین را شامل نمیشود معلوم نیست منطبق با واقع باشد، ظاهر این است که آیه فوق بطور کلی در مورد تمام کفار صادق است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با همین برداشت از آیه مزبور، پس از آنکه در اصل سیزدهم، ادیان دارای ریشه آسمانی یعنی کلیمی، مسیحی و زرتشتی را به رسمیت می‌شناسد. در مورد دیگر فرق کفار و نحوه رفتار با آنها در اصل ۱۴ میگوید: «بحکم آیه شریفه: لاینهکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجواکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.» (۲)

فقیه بزرگ اسلام، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) نیز در سؤالی که از ایشان در مورد وضع کفار غیراهل کتاب شده بود پاسخ فرمودند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- المیزان فی تفسیر القرآن جلد ۱۹ ص ۲۷۰

۲- فقط اشاره میکنیم که در مورد ارتداد به اجماع فریقین، شیعه و سنی حد قتل باید جاری شود ولی تحمل و بردباری اسلام و حکومت اسلامی بگونه‌ای است که در طول تاریخ اجرای این حد نسبت به کسانی که صرفاً به تشخیص شخصی خود تغییر دین داده و از اسلام خارج شده‌اند ولی هیچگونه اقدام عملی فردی و گروهی توطئه آسیر علیه نظام اسلامی نداشتند بسیار کم بوده است، قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران نیز که مجازاتها را بر اساس مقررات جزائی اسلام و حدود اسلامی، تعیین نموده از حد ارتداد سخنی بیان نیاورده است و بهر حال مسئله ظریف و دقیق است و بعید نیست که بتوان باب بحثی را درباره آن گشود. نگاه کنید به بحث محتاطانه و جالب دکتر عبدالحمید متولی در کتاب مبادی نظام الحکم فی الاسلام صفحات ۳۰۰ تا ۳۱۱ مخصوصاً ۳۰۴ به بعد.

همه کفار که در پناه حکومت اسلامی زندگی میکنند جان و مالشان محفوظ است (۱). نتیجه - از آنچه گفته شد میتوان بطور خلاصه چنین نتیجه‌گیری کرد که از نظر اسلام، انسان ذاتاً موجودی است شریف و دارای کرامت انسانی و برخوردار از نعمت آزادی و حق انتخاب. ولی همراه با این خاصیت آزادی و اختیار مسئول نیز هست و باید عقیده توحیدی صحیح و رفتار و کرداری درست آنگونه که فطرت پاک انسانی و تعلیمات انبیاء الهی او را راهنمایی میکنند انتخاب نماید در عین حال، اسلام در مقام اعمال حکومت در اعمال و رفتار خصوصی اشخاص محدودیتی قائل نیست و هرگونه تفتیش و تجسس و دخالت در این زمینه را منع میکند، جز ایمان باطنی و وجدان خداجوی هر کسی که ممکن است، اعمال فردی او را کنترل کند، انسان از هرگونه تعرضی مصون است و میتواند احساس امنیت کامل کند (۲).

۱- متن سؤال شورای عالی قضائی و پاسخ حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه که مربوط به سال ۱۳۶۲ است ذیلا نقل میشود:

بمحضربارك آيت‌الله‌العظمى الامام‌خمینی دام‌ظله‌العالی علی رؤس‌المسلمین بعدالتحیة والسلام تقاضا میشود سؤال ذیل را جواب فرمایید . آیا غیرمسلمانان که در مملکت ایران زندگی مینمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام‌علیه حکومت و همانند اینها آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آنکه مجازات آنها مانند جاسوسی به بعد احتیاج باشراط‌ترک دارد و یا آنکه چون با مثل جاسوسی حربی شوند همانند کفاریکه شرایط ذمه عمل نکنند با آنان معاسله گردد یعنی برگرداندن بمثامن و یا تخفیر حاکم بین قتل یا فدیه یا استرقاق که حضرت‌عالی در مسئله ۸ تحریرالوسیله ج ۲ ص ۵۰۳ در تخفیر اشکال فرمودید.

از طرف شورای عالی قضائی - ابوالفضل سیرمحمدی

بسمه تعالی

کفار بزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون‌الدم بوده و مالشان محترم است. محل مهر حضرت امام

۲- در اینجا نقل یک قسمت از اظهار نظر شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه منع تجسس شاید خالی از فایده نباشد.

در خردادماه سال ۱۳۶۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات از تصویب مجلس شورای

در زمینه اعمال و رفتار اجتماعی افراد نیز حکومت اسلامی، نه تنها مافع اعمال این آزادیها نیست بلکه مشوق آزادیهای مزبور نیز هست آزادی شغل و کسب و کار، آزادی بیان و قلم و شرکت در اداره امور کشور و انتخاب شیوه بهتر برای اداره جامعه، مورد حمایت اسلام است و یک حکومت مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی باید آنها را رعایت کند(۱) قرآن مجید، مسلمانها را به صفت ممتاز شورائی بودن کارشان بیستاید: (وامرهم شوری بینهم سوره شوری آیه ۳۸) و به پیامبر اسلام امر میکند که در کارها با مردم مشورت کند: (وشاورهم فی الامر- سوره آل عمران آیه ۱۵۴) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با بینش اسلامی تنظیم شده در اصل ۶ مقرر میدارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود...» و اصل هفتم میگوید: «طبق دستور قرآن کریم: (وامرهم شوری بینهم) و (شاورهم فی الامر) شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند...».

استفاده از این آزادیها تا جائی است که به حقوق دیگران یا مصالح و نظم عمومی خلل وارد نیابد که در این صورت در حد ضرورت طبعاً بحکم مقررات قانونی محدودیتهائی برقرار میشود.

در پایان مایلیم نگرانی خود را از وضع اسف بار حاکم بر دنیای کنونی درخصوص

→ اسلامی گذشت و برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد، در ماده ۱۴ قانون مزبور در مورد شرح وظایف وزارت اطلاعات از جمله آمده بود:

الف- کسب و جمع آوری اخبار با حداکثر استفاده از نیروهای مردسی... و .... ه - بالابردن سطح آگاهی و آموزش اطلاعاتی جامعه برای مردسی کردن کسب اخبار...

شورای نگهبان در نظریه مورخ ۱۳۶۲/۳/۱۲ خود در این خصوص چنین اظهار نظر کرد:

«... ه - چون استفاد از اصل ۲۵ قانون اساسی، ممنوعیت تجسس در سطح همگانی و

مردسی است و استثناء «مگر به حکم قانون» شامل تجویز این نوع تجسس عام و آموزش آن

نمیشود، بند ۵ ماده ۱۴ و عبارت «با حداکثر استفاده از نیروهای مردسی» در بند الف ماده

مزبور با اصل ۲۵ قانون اساسی مغایر شناخته شد و از جهت انطباق با موازین شرعی به

تائید اکثریت فقها نرسید...»

مجموعه نظریات شورای نگهبان، تدوین و نگارش همین نویسنده جلد اول ص ۳۹

۱- سبادی نظام الحکم فی الاسلام ص ۲۸۰

نقض اولی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق انسانی با همه بحث‌های داغی که تحت عنوان حقوق بشر انجام می‌گیرد، ابراز دارم، اینهمه کشتار و شکنجه و آوارگی برای مردمی که طالب حقوق اولیه خود هستند در مناطق مختلف جهان چون فلسطین اشغالی و آفریقای جنوبی و لبنان و کشمیر و میان‌مار (برمه)، و جاهای دیگر لکه ننگی است بر پیشانی بشریت متمدن امروز، جنایاتی سابقه‌ناپذیر در نسل‌کشی مسلمانان در قلب اروپای متمدن و سردمدار آزادی و عدم واکنش جدی و بلکه بی‌تفاوتی مجامع و کشورهای منادی و مدافع آزادی و رعایت حقوق بشر دل هر انسان آزاده‌ای را بدرد می‌آورد و صداقت و جدیت طرفداران بحث پرغوغای سالهای اخیر حقوق بشر را بطور جدی زیر سؤال می‌برد. بنگرید به سخن یک رهبر اسلامی (علی بن ابی طالب (ع) در چهارده قرن پیش. وقتی مطلع می‌شود که یکی از فرماندهان ستمگر معاویه به ناحیه‌ای یورش برده و ضمن قتل و کشتار و غارت مردم، یک زن غیر مسلمان ذمی را نیز مورد تعرض قرار داده و ضمن ضرب و شتم او، زورزور او را بزور برده‌اند، خطاب به مردم و سپاهانش می‌گوید: چرا برای دفع ظلم این ستمگران و دفاع از این مظلومین تجهیز نمی‌شوید و به جنگ نمی‌پردازید و می‌گوید اگر انسان از شنیدن چنین ظلمی از غصه بمیرد جا دارد؟ (۱)

و حال مقایسه کنید آن را با واکنش و سخن رهبر پیشرفته‌ترین کشور جهان در پایان قرن بیستم در مورد درخواست دخالت و اقدام جدی جهت جلوگیری از فجایع و مظلالم کم نظیر صربها نسبت به مسلمان بوسنی‌ها و هرزگوین چنانکه خبرگزاریها از قول او نقل کردند گفته است چون منافع آمریکا در بوسنی هرزگوین در خطر نیست و یا آمریکا منفعی در آنجا ندارد مداخله آمریکا لزومی ندارد. اوج انسانیت و احساس بشر دوستی را در آن دوران تاریک تاریخ در سخن علی بن ابیطالب پیشوای مسلمین و نهایت سقوط اخلاقی و انحطاط انسانیت و روح نوع دوستی را در این دوران طلایی تاریخ از زبان پر ادعاترین مدافعین حقوق بشر بنگرید. فاعتبروا یا اولی الابصار .